

Investigating the Relationship between Corporate Governance Mechanisms and Possibility of Financial Statement Fraud: Analytical Evidence of Capital Market

Vahid Bekhradi Nasab (Corresponding author)

Department of Accounting, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad,
Iran

vahid.bekhradinasab@gmail.com

Ali Khoshdel

Department of Accounting, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad,
Iran

khosdel84@gmail.com

Abstract:

The purpose of the present study is to investigate the role of corporate governance system in reducing the probability of fraudulent reporting of financial statements of listed companies in Tehran Stock Exchange. Fraudulent financial reporting in the financial statements of companies listed on the Tehran Stock Exchange using unaudited audit statements, tax differences with the taxation area according to the Income Tax Savings Note and the tax filing clause, and the existence of annual adjustments with The significance and financial statements of the revised financial statements have been weighed. The corporate governance system is also examined from five dimensions. The size of the board of directors, the independence of the board of directors, the number of board meetings, the financial knowledge of the board of directors, and the separation of the board from the CEO as mechanisms of the corporate governance system have been studied and its impact on financial statement fraud. Therefore, due to the importance of fraudulent financial reporting in the financial statements and their effects, 183 companies were selected from Tehran Stock Exchange for a period of 6 years from 2009 to 2020. The findings of the study show that the size of the board of directors, the financial knowledge of the board of directors and the separation of the role of the board of directors from the CEO did not reduce the power of fraudulent financial reporting.

Keywords: Corporate Governance System, Fraud, Tehran Stock Exchange.

تاریخ دریافت مقاله:

۱۴۰۱/۰۳/۲۵

تاریخ پذیرش مقاله:

۱۴۰۱/۰۸/۳۰

تاثیر سازوکارهای نظام راهبری شرکتی بر احتمال وجود تقلب در صورت‌های مالی: شواهدی تحلیلی بازار سرمایه

وحید بخردی نسب (نویسنده مسئول)

گروه حسابداری، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

vahid.bekhradinasab@gmail.com

علی خوشدل

گروه حسابداری، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران

khosdel84@gmail.com

چکیده:

گزارشگری مالی متقلبانه در صورت‌های مالی با استفاده از اظهارنظر غیر مقبول حسابرسی، وجود اختلاف‌های مالیاتی با حوزه مالیاتی طبق یادداشت ذخیره مالیات بردرآمد و پرونده مالیاتی و بند شرط گزارش حسابرسی، وجود تعدیل‌های سنواتی با اهمیت و صورت‌های مالی تجدید ارائه شده از طریق کانال نظام راهبری شرکتی قابل ارزیابی است. اندازه هیئت مدیره، استقلال هیئت مدیره، تعداد جلسات هیئت مدیره، دانش مالی هیئت مدیره و جدایی نقش رییس هیئت مدیره از مدیرعامل به‌عنوان سازوکارهای نظام راهبری شرکتی بررسی و تاثیر آن بر تقلب در صورت‌های مالی برآورد شد. ۱۸۳ شرکت به‌عنوان جامعه آماری در دسترس طی زمانی ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۹ انتخاب و به بررسی آزمون فرضیه‌های پژوهش پرداخته شد. یافته‌های پژوهش با استفاده از رگرسیون ترکیبی و رویکرد پانل دیتا نشان می‌دهد که اندازه هیئت مدیره، دانش مالی هیئت مدیره و جدایی نقش رییس هیئت مدیره از مدیرعامل قدرت کاهش گزارشگری مالی متقلبانه را نداشته‌اند. ولی تعداد جلسه‌های هیئت مدیره و استقلال هیئت مدیره، قدرت کاهشی بر گزارشگری مالی متقلبانه را داشته و به‌عنوان مکانیزم‌هایی از راهبری شرکتی تاثیر معناداری از نوع منفی بر کاهش احتمال تقلب دارد. به‌عبارتی با افزایش تعداد جلسه‌های هیئت مدیره و استقلال هیئت مدیره، احتمال وجود تقلب کاهش می‌یابد.

واژگان کلیدی: نظام راهبری شرکتی، تقلب، بورس اوراق بهادار تهران.

۱. مقدمه

تقلب در حسابداری از زمان های گذشته مورد استفاده قرار گرفته است، اما شفافیت حسابداری اصطلاح جدیدی است. این دو اصطلاح از طریق پژوهش های دانشگاهی گسترش پیدا نکرده اند، بلکه از طریق روزنامه ها و دیگر رسانه های جمعی عمومیت یافته اند. برای مثال، شفافیت حسابداری ابتدا به عنوان اصطلاحی عمومی به کار رفت، سپس به هدفی اصلی در پژوهش های دانشگاهی تبدیل شد و بعدها از سوی پژوهشگران مختلف به گونه های متفاوتی تعریف شد. شفافیت یعنی کیفیت یا حالت شفاف بودن، به صورت قابلیت اطلاعات حسابداری ارائه شده به گونه ای که (محتوای آن ها) آشکارا در خور رویت باشد^۱ تعریف می شود (هرتیج^۱، ۲۰۰۷). یکی از ابعادی که در شرکت ها نیازمند به آشکارسازی و شفافیت آن وجود دارد، نقش هیئت مدیره در شرکت هاست. در واقع بازخوردی که اعضای هیئت مدیره در افزایش یا کاهش عملکرد شرکت دارد، برای صاحبان سهام حائز اهمیت است. ساختار هیئت مدیره، متشکل است از اجزایی که نقش هیئت مدیره را در شرکت پر رنگ تر می کند. این ساختار نظیر اندازه هیئت مدیره، استقلال اعضای هیئت مدیره (مدیران غیر موظف یا غیر اجرایی)، تعداد جلسات هیئت مدیره، دانش مالی هیئت مدیره و جدایی نقش رییس هیئت مدیره و مدیر عامل که احتمال می رود بر کاهش تخلف در شرکت موثر باشند. تخلف در شرکت انواع و ابعاد گوناگونی دارد. ولی یکی از تخلف هایی که امروزه صاحبان سرمایه از آن وحشت زیادی دارند، بروز تقلب و احتمال گزارشگری مالی متقلبانه در صورت های مالی است. تقلب عبارت است از، اعمال فریبکارانه عمدی به منظور کسب سود غیرقانونی یا غیرمنصفانه (هرتیج، ۲۰۰۷). بسیاری از تقلب ها به خصوص آنهایی که منجر به پیامدهای اجتماعی شدیدی می شوند، در فرآیند تدبیر و انجام اعمال حسابداری غیرقانونی عمدی برای مقاصد کسب سودهای خاص رخ می دهند. بنابراین، تقلب حسابداری اغلب به مواردی اشاره دارد که افراد به صورت عمدی آنها را مرتکب شده اند. واژه تقلب در گزارشگری مالی و افشای ساختار هیئت مدیره به دو بعد کاملاً منطبق

¹ Heritage

در شرکت اشاره دارند. زمانی که اطلاعات حسابداری واحدهای اقتصادی آن گونه که هستند، تهیه و ارائه می‌شوند، مسائل مرتبط با تقلب حسابداری ظاهر نخواهد شد. ولی در صورتی که اعمال غیرقانونی عمدی در کار باشد، کشف تقلب امری مشکل خواهد بود. ولی در صورت که ساختار هیئت مدیره بر گزارشگری مالی و افشای اطلاعات حسابداری به صورت اهرمی بازدارنده بر شیوه گزارشگری مالی نظارت داشته باشند، تقریباً احتمال تقلب کاهش خواهد یافت. براساس نگرش اندک متفاوتی نظیر رآزالی و آرشاد^۲ (۲۰۱۴)، تقلب در حسابداری و گزارشگری مالی و افشای ساختار هیئت مدیره به ترتیب به‌عنوان اظهارنظر منفی و مثبت در مورد صحت رویدادها و معاملات مشابه تعبیر شوند. در یک شخصیت گزارشگر، هر چقدر افشای ساختار هیئت مدیره بیشتر باشد، ابهام پاسخ‌خواهان کمتر و تقلب پاسخگو هم کمتر می‌شود. در ادامه پژوهش به بررسی مبانی نظری، روش پژوهش، یافته‌ها و نتیجه‌گیری پرداخته شده است.

۲. مروری بر مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مطابق با بند ۴ استاندارد حسابرسی شماره ۴۵۰ ایران، تحریف شامل هرگونه مغایرت بین مبلغ، نحوه طبقه بندی، ارائه یا افشای یک قلم گزارش شده در صورت های مالی و مبلغ، نحوه طبقه بندی، ارائه یا افشای آن قلم طبق الزامات افشاء استانداردهای حسابداری است. تحریف‌ها ممکن است ناشی از اشتباه یا تقلب باشد. طبق بند ۳ و ۴ این استاندارد؛ اشتباه عبارتست از هرگونه تحریف سهوی در صورت های مالی (شامل حذف یک مبلغ یا یک مورد افشاء)؛ و تقلب عبارتست از هرگونه اقدام عمدی یا فریبکارانه یک یا چند نفر از مدیران یا اشخاص ثالث برای برخورداری از یک مزیتی ناروا یا غیر قانونی (کمیته تدوین استانداردهای حسابرسی، ۱۳۸۸) و در تعریفی دیگر رضایی^۳ (۲۰۰۲) تقلب را ناشی از اقدامات عمدی یک یا چند نفر از مدیران، کارکنان یا اشخاص ثالث اطلاق می‌کند که به ارائه نادرست صورت های مالی منجر می‌شوند. رضایی (۲۰۰۲) تقلب را در برگیرنده مواردی نظیر دستکاری، جعل یا تغییر اسناد و مدارک حسابداری یا سایر مدارک به منظور به دست آوردن

^۲ Razali and Arshad

^۳ Rezaee

مزایای مالی غیر حق و غیر قانونی، سوء استفاده از داراییها یا سرقت آن ها، ارائه نادرست آثار مالی معاملات یا حذف آنها از اسناد و مدارک، ثبت معاملات بدون مدارک مثبته (معاملات صوری) و بکارگیری نادرست رویه های حسابداری می داند. همچنین اعتمادی و زلفی (۱۳۹۲) تقلب در صورت های مالی را مشتمل بر دستکاری اقلام از طریق نشان دادن بیش از حد دارایی ها و فروش و سود و یا کمتر از حد نشان دادن بدهی ها و هزینه ها و یا زیان ها می دانند. هنگامی که یکی از صورت های مالی شامل نشانه هایی از تقلب است که عناصر این صورت مالی، تصویر درستی از واقعیت را نشان نمی دهند، آن را بعنوان تقلب تلقی می نمایند. تقلب مدیریت را می توان به عنوان تقلب عمدی مرتکب شده توسط مدیریت تعریف نمود، بطوری که به سرمایه گذاران و اعتبار دهندگان از طریق صورت های مالی همراه کننده خسارت وارد نماید (اعتمادی و زلفی، ۱۳۹۲). البته افرادی که مرتکب تقلب در گزارشگری مالی می شوند، همیشه مدیران نیستند و در برخی مواقع کارکنان هم دچار تقلب خواهند شد (رضایی، ۲۰۰۲). رضایی (۲۰۰۲) افرادی که مرتکب تقلب در گزارشگری مالی می شوند را به دو دسته تقلب مدیریت و تقلب کارکنان دسته بندی کرده است. رضایی (۲۰۰۲) تقلب را بر انواع مختلفی نظیر تقلب صورت های مالی، کژنمایی حقایق با اهمیت، کژنمایی دارایی ها، پنهان سازی حقایق با اهمیت، اقدامات غیرقانونی، رشوه خواری، تضاد منافع، اختلاس دارایی ها یا اموال، نقض وظیفه ی امانت داری، سرقت اسرار معاملاتی دارایی های فکری و اقدامات غیرقانونی می داند. وی معتقد است که افراد مرتکب تقلب در صورت وجود شرایطی خاص مرتکب تقلب می شوند. مطالعات نشان می دهند که کارمندان در صورت وجود چهار شرط فشار و نیازهای مالی، فرصت، توجیه منطقی و فقدان اصول اخلاقی مرتکب تقلب می شوند.

فدرا سیون بین المللی حسابداران در سال ۱۹۸۲ بیانیه بین المللی حسابرسی^۴ شماره ۱۱ را با موضوع تقلب و اشتباه و توضیحاتی که مشخص کننده تفاوت بین تقلب و اشتباه بود؛ منتشر نمود. البته این انجمن در استاندارد شماره ۹۹ خود که جایگزین استاندارد شماره ۸۲ شد اقدام به معرفی ۴۲ علامت خطر به عنوان شاخص های بالقوه تقلب موجود در واحد تجاری نمود که نمایانگر

⁴ ISA

ریسک بالا و تقلب در گزارش های مالی هستند (انجمن حسابداران خبره آمریکا^۵، ۲۰۰۳). رضایی (۲۰۰۲) نشانه های تقلب صورت های مالی را تخریب مستمر کیفیت و مقدار سود، ناکافی بودن وجوه نقد، بیش نمایی موجودی کالا، حسابداری شدیداً متهورانه، مدیریت کوتاه مدت گرا، شناخت نامناسب درآمد و بیش نمایی دارایی ها می داند.

انجمن حسابداران خبره آمریکا در سال ۱۹۸۳ در بیانیه استانداردهای حسابرسی^۶ شماره ۴۷ متذکر می شود که اصطلاح اشتباه به اشتباهات ناآگاهانه یا از قلم افتادگی مبالغ یا موارد افشاء در صورت های مالی اشاره دارد (انجمن حسابداران خبره آمریکا، ۱۹۸۳).

بیانیه استانداردهای حسابرسی شماره ۸۲ (انجمن حسابداران خبره آمریکا، ۱۹۹۷) بر این دیدگاه تاکید دارد که تقلب یک اقدام آگاهانه بوده و شامل فشار برای ارتکاب و یا داشتن انگیزه جهت ارتکاب به تقلب و وجود فرصتی برای انجام آن می باشد (زیلمن^۷، ۱۹۹۷).

بیانیه استانداردهای حسابرسی شماره ۸۲ (انجمن حسابداران خبره آمریکا، ۱۹۹۷) و بدنبال آن استاندارد شماره ۹۹ انجمن حسابداران رسمی آمریکا (انجمن حسابداران خبره آمریکا، ۲۰۰۳)، کشف تقلب را برای موسسات حسابرسی الزامی نموده است. وجود این استانداردها و پیامدهای ناشی از ارتکاب به تقلب باعث افزایش نیاز به کشف اثربخش تقلب می شود (مانسینو^۸، ۱۹۹۷). کشف تقلب با استفاده از روش های معمولی حسابرسی؛ کار بسیار مشکلی است (کودری^۹، ۱۹۹۹). دلیل آن این است که نخست دانش کمی در ارتباط با ویژگی های تقلب مدیریت وجود دارد. دوم اینکه بخشی از حسابرسان فاقد تجربه مورد نیاز در کشف تحریف ها بویژه موارد تقلب هستند. نهایتاً اینکه برخی مدیران عمداً سعی می کنند، حسابرسان را فریب دهند (الیوت^{۱۰} و همکاران، ۱۹۸۰). برای چنین مدیرانی که به محدودیت های حسابرسی آگاه هستند؛ روش های

⁵ AICPA

⁶ SAS

⁷ Zimbelman

⁸ Mancino

⁹ Coderre

¹⁰ Elliot

مرسوم حسابرسی ممکن است کافی نباشد. این محدودیت ها نیاز به روش های تحلیلی اضافی برای کشف موثر تقلب را تداعی می سازند. بر این اساس در سال ۱۹۹۷ هیات استانداردهای حسابرسی بیانیه شماره ۸۲ استانداردهای حسابرسی را پیرامون در نظر گرفتن تقلب در حسابرسی صورت های مالی منتشر کرد. طبق این استاندارد، حسابرسان ملزم به ارزیابی ریسک تقلب در هر حسابرسی و تشویق حسابرسان به ارزیابی سیستم کنترل داخلی نمود (کاپلان^{۱۱}، ۱۹۹۹). بیانیه استانداردهای حسابرسی شماره ۸۲ که جایگزین بیانیه شماره ۵۳ گردید؛ روشنگری بیشتری داشت اما مسئولیت های حسابرسان را در کشف تقلب افزایش نداد (هافمن^{۱۲}، ۱۹۹۷).

اغلب روش های تقلب را می توان در سه بخش شامل تغییر روش های حسابداری، برآوردهای مدیریت از هزینه ها و تغییر دوره ای درآمدها و هزینه ها، طبقه بندی نمود (ولز^{۱۳}، ۱۹۹۷). برای مثال ثبت درآمدهای فروش در سالی که کالای مربوطه در واقع بعد از سال مالی ارسال شده است از طریق به عقب برگرداندن تاریخ مدارک از سال کالا. حسابرسان برای اختلاس بالقوه در موجودی ها و وجوه نقد؛ ریسک حسابرسی را در سطح بالا ارزیابی می کنند. بیش از نیمی از موارد تقلب شامل ارائه بیش از حد درآمدها از طریق مبالغ ساختگی و یا پیش از موعد است. بسیاری از این موارد مرتبط با درآمدهای ثبت شده در پایان سال مالی بوده و همچنین شامل ارائه بیش از حد دارایی ها از طریق کمتر از حد نشان دادن ذخیره مطالبات مشکوک الوصول و ارائه بیش از حد ارزش موجودی ها، اموال و ماشین آلات و تجهیزات و سایر دارایی های ثابت مشهود و ثبت دارایی هایی که وجود ندارند؛ می باشد (بیزلی^{۱۴} و همکاران، ۱۹۹۶، ۱۹۹۹، ۲۰۰۰).

تقلب می تواند از طریق دارندگان اطلاعات محرمانه نیز رخ دهد. مدیران ارشد شرکت ها، قادر به ارتکاب به تقلب صورت های مالی جهت فریب دادن سرمایه گذاران و وام دهندگان و یا متورم نمودن سود شده و بدنبال آن حقوق بالاتر و پاداش بالاتر دریافت نمایند (اعتمادی و زلقی، ۱۳۹۲).

¹¹ Caplan

¹² Hoffman

¹³ Wells

¹⁴ Beasley

اینکه چه مقدار از ناتوانی های واحدهای تجاری به دلیل تقلب است را واقعا نمی توان تعیین نمود. اما این غیر قابل انکار است که بخشی از واحدهای اقتصادی بویژه شرکت های کوچک بخاطر زیان های ناشی از تقلب به سمت ورشکستگی می روند. درکشور ما تاکنون برآوردی از زیان اقتصادی اثر تحریف و بطور خاص تقلب نشده است و هرچند سال با انتشار اخباری مواردی از تحریف درکشور اطلاع رسانی می شود که رقم دقیق این موارد نامشخص است (اعتمادی و زلقی، ۱۳۹۲). در کشور آمریکا در کلیه زمینه های اقتصادی اعم از تولیدی و واسطه های مالی و بانک ها و نفت و گاز و شرکت های پیمانکاری و بیمارستان ها؛ زیان های عمده ناشی از تقلب گزارش شده است. این زیان ها تقریبا در هر مقوله ای از صورت های مالی می توانند رخ دهند؛ نه اینکه یقینا در زمینه وجوه نقد باشد. زیان ناشی از وجوه نقد از کمترین سطح از تقلب برخوردار است. زیان ناشی از تحریف حساب های دریافتی و موجودی های مواد و کالا، سه برابر بیش از زیان ناشی از تحریف وجوه نقد هستند؛ همچنین در تکیک ارتکاب شرکت ها باتوجه به اندازه آن ها؛ واحدهای تجاری کوچک غالبا در معرض تقلب بیشتری قرار دارند. تقلب در شرکت های کوچک اثر بزرگتری دارد. زیرا این شرکت ها منابع زیادی جهت جبران عواقب این زیان ها ندارند (سامرز و سوینی^{۱۵}، ۱۹۹۸).

انگیزه های مختلفی برای تقلب در گزارشگری مالی می تواند وجود داشته باشد که در تحقیقات واتزو و زیمرمن^{۱۶} (۱۹۸۶)، پاداش بر مبنای سود حسابداری) و دچو^{۱۷} و دیگران (۱۹۹۶)، حفظ یا افزایش قیمت بازار سهام و حداقل کردن بدهی مالیاتی) و فاما و جنسن^{۱۸} (۱۹۸۳)، دستیابی به ارقام پیش بینی شده) و کوتسیاننیتس (۲۰۰۶)، تامین مالی با کمترین هزینه) به برخی از این موارد توجه شده است. نظام راهبری شرکتی را می توان به عنوان یکی از عوامل اصلی در جلوگیری

¹⁵ Summers and Sweeney

¹⁶ Watts and Zimmerman

¹⁷ Dechow

¹⁸ Fama and Jensen

و کشف تقلب در گزارشگری مالی تلقی نمود (رایت^{۱۹} و همکاران ۱۹۸۹ به نقل از اعتمادی و زلقی، ۱۳۹۲).

در این خصوص ژو و کاپور^{۲۰} (۲۰۱۳) به بررسی کشف تقلب در صورتهای مالی تکاملی پرداخته است. محمد و هندلی اسپچالور^{۲۱} (۲۰۱۴) به بررسی مکانیسمها و استراتژیهای ریسک تقلب صورتهای مالی پرداخته اند. رآزالی و آرشاد (۲۰۱۴) به بررسی افشای ساختار نظام راهبری و احتمال گزارشگری متقلبانه پرداخته اند. کاناپیکینه و گرادین^{۲۲} (۲۰۱۵) به بررسی مدل کشف تقلب در صورتهای مالی با استفاده از نسبت های مالی پرداخته اند. وست و بی هاتاچاریا^{۲۳} (۲۰۱۶) به بررسی تشخیص تقلب مالی هوشمند: بررسی جامع پرداخته اند. هاجک و هنریکوس^{۲۴} (۲۰۱۷) به بررسی استخراج گزارشهای سالانه شرکت برای شناسایی هوشمند تقلب صورتهای پرداخته اند. ژو و همکاران^{۲۵} (۲۰۱۸) به بررسی سن هیئت مدیره و کلاهبرداری مالی شرکتی پرداخته اند. چن و همکاران (۲۰۱۹) به بررسی کشف تقلب برای صورتهای مالی گروه های تجاری پرداخته اند. رحمواتی و ایندریجاواتی^{۲۶} (۲۰۲۰) به بررسی تجربه حسابرس، بارکاری، نوع شخصیت و شک و تردید حسابرس حرفه ای در برابر توانایی حسابرسان در کشف تقلب پرداخته اند. پراتوم سوان و یورلابیل^{۲۷} (۲۰۲۰) به بررسی تقلب و خطا و مسئولیت حسابرس پرداخته اند. ماکا و همکاران^{۲۸} (۲۰۲۰) به بررسی انتخاب مهم ترین متغیرها برای کشف تقلب در صورتهای مالی پرداخته اند. همیلتون و اسمیت (۲۰۲۱) به بررسی خطا یا تقلب؟ تأثیر اقلام حذف شده بر استراتژیهای تقلب مدیریت و قضاوت حسابرسان از تحریف های شناسایی شده پرداختند.

¹⁹ Riyth

²⁰ Zhoua&Kapoorb

²¹ Mohamed &Handley-Schachelor

²² Kanapickienè & Grundienè

²³ West&Bhattacharya

²⁴ Hajek & Henriques

²⁵ Xu et al.

²⁶ Rahmawati & Indrijawati

²⁷ Pratoomsuwan & Yolrabil

²⁸ Maka et al.

ویدودو و چریری^{۲۹} (۲۰۲۱) به بررسی ارتباط بین روش‌های حسابرسی، تجربه حسابرسان و مسئولیت حسابرسان برای کشف تقلب پرداخته‌اند. روی و آسرا (۲۰۲۱) به بررسی تأثیر مشترک ایده‌آلیسم اخلاقی و صفت بدبینی (شک) در کشف تقلب حسابرسان پرداخته‌اند. وانگ و همکاران^{۳۰} (۲۰۲۲) به بررسی تنوع جنسیتی و تقلب در صورت‌های مالی پرداخته‌اند. ژانگ و همکاران^{۳۱} (۲۰۲۲) به بررسی تشخیص گزارشگری متقلبان بر اساس کلمه‌یابی پرداخته‌اند. همگی این پژوهش‌ها بر نقش برجسته راهبری شرکتی بر کشف تقلب تأکید دارند. مشابه سایر کشورها، در کشور ما نیز مسئله تحریف و به‌ویژه صورت‌های مالی در حرفه حسابرسی مطرح بوده و موضوع غریبی نیست. اما علیرغم پیامدهای اقتصادی آن بر شرکت‌ها و اقتصاد کشور، در بازار سرمایه و مراجع تحقیقاتی کشور کمتر مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به افزایش تعداد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و روند خصوصی سازی و رشد سرمایه و ضرورت انتشار عمومی صورت‌های مالی؛ پیش‌بینی احتمال ارتکاب تقلب صورت‌های مالی در اطلاعات مالی انتشار یافته در روش‌هایی بجز از حسابرسی‌های معمول با توجه به محدودیت‌های حسابرسان؛ یک ضرورت است (اعتمادی و زلّقی، ۱۳۹۲). ولی با توجه به این نیاز و ضرورت، پژوهش‌های اندکی در خصوص گزارشگری مالی متقلبان انجام شده و معیارهای بسیار کمی جهت تشخیص گزارشگری متقلبان ارائه شده است.

با توجه به این که در کشور ما هیچ نهادی بطور مستقیم برای تحقیق و کشف موارد تقلب احتمالی و نیز هیچ پایگاه اطلاع‌رسانی برای گزارش این قبیل موارد وجود ندارد. نهادهایی از قبیل سازمان بورس اوراق بهادار اطلاعات احتمالی مربوط به هرگونه تحریف و بطور خاص تقلب در صورت‌های مالی را در اختیار عموم و تحلیلگران قرار نمی‌دهند. تنها مواردی که در سازمان بورس اوراق بهادار پیگیری می‌شود احتمال تقلب توسط دارندگان اطلاعات نهانی (بویژه مدیران) در این شرکت‌ها و در صورت صدور رای از طریق محاکم قضایی؛ موارد بطور خصوصی اطلاع

²⁹ Widodo & Chariri

³⁰ Wang et al.

³¹ Zhang et al.

رسانی می شود. همچنین فقدان مطالعات تحقیقی در این زمینه از دیگر محدودیت های قابل توجه است (اعتمادی و زلقی، ۱۳۹۲). لذا برای تشخیص و طبقه بندی واحدهای اقتصادی به شرکت های متقلب یا غیر متقلب در گزارشگری مالی چارچوب نظری خاصی در ایرن وجود ندارد. با توجه به استانداردهای شماره ۲۴۰ و ۴۵۰ حسابرسی ایران؛ می توان بر مبنای مقدار و محتوای ویژگی های داده های صورت های مالی حسابرسی شده توسط حسابداران رسمی یا سازمان حسابرسی، معیارهایی را برای محسوب نمودن تحریف ارائه نمود. نظر به تاثیر تحریف قابل تحمل (سطح اهمیت) بر نوع اظهار نظر حسابرسان و از آنجا که طبق بررسی انجام شده (شمس احمدی، ۱۳۸۸) از سطح اهمیت در حسابرسی صورت های مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران؛ موسسات حسابرسی از مبنای و در صدهای مختلف در سطح اهمیت استفاده نموده اند و از رویه همسانی در برآورد سطح اهمیت برخوردار نمی باشند؛ لذا تنها اظهار نظر مقبول نمی تواند دال بر عدم تقلب یا تقلب جزئی تلقی شود. رآزالی و آرشاد (۲۰۱۴) و همچنین اعتمادی و زلقی (۱۳۹۲) بیان نمودند در صورتی که شرکتی اظهار نظر غیر مقبول از حسابرسی دریافت کند و اختلاف مالیاتی با امور مالیاتی و تعدیل سنواتی در صورت های مالی داشته باشد، احتمال گزارشگری متقلبانه را در صورت های مالی به همراه دارد. بنابراین با توجه به پژوهش اعتمادی و زلقی (۱۳۹۲) و رآزالی و آرشاد (۲۰۱۴) گزارشگری مالی متقلبانه با استفاده از معیارهایی تشخیص داده می شود. این معیارها عبارتند از اظهار نظر غیر مقبول حسابرسی، وجود اختلافات مالیاتی با حوزه مالیاتی طبق یادداشت ذخیره مالیات بر درآمد و پرونده مالیاتی و بند شرط گزارش حسابرسی و وجود تعدیلات سنواتی با اهمیت و صورتهای مالی تجدید ارائه شده. چنانچه حسابرس با کسب شواهد حسابرسی کافی و مناسب، به این نتیجه برسد که تحریف ها، به تنهایی یا در مجموع، نسبت به صورت های مالی، با اهمیت و فراگیر (اساسی) است، باید نظر غیر مقبول (مردود) ارائه کند. طبق پژوهش های انجام شده توسط اعتمادی و زلقی (۱۳۹۲) و رآزالی و آرشاد (۲۰۱۴) وجود تقلب با اهمیت، می تواند زمینه ساز اظهار نظر غیر مقبول باشد. طبق پژوهش های انجام شده توسط اعتمادی و زلقی (۱۳۹۲) اختلافات مالیاتی بطور عمده ناشی از

تفسیر نادرست قوانین مالیاتی و اشتباه در بکارگیری بندهای قوانین ذیربط و در برخی موارد تاخیر در شناسایی مالیات و حفظ نقدینگی و سایر موارد احتمالی تخلف است. رأزالی و آرشاد (۲۰۱۴) معتقدند که وجود تقلب با اهمیت، می تواند زمینه ساز وجود اختلافات مالیاتی با حوزه مالیاتی باشد. تعدیلات سنواتی^{۳۲} عبارتست از تعدیل سود انباشته ابتدای دوره و تجدید ارائه اقلام مقایسه‌ای صورت‌های مالی شرکت‌ها که از تغییر در رویه‌ی حسابداری^{۳۳} و اصلاح اشتباه^{۳۴} ناشی می‌گردد. توجیه اصلی مدیران برای استفاده از تعدیلات سنواتی انعکاس بهتر تغییرات محیط عملیاتی و سرمایه‌گذاری شرکت است. این توجیه مدیران با استانداردهای حسابداری که وجود تعدیلات سنواتی را مجاز شمرده، سازگار است. نتایج برخی از نظیر هیلی و پالیپو^{۳۵} (۱۹۹۳) حاکی از آنست که اختیار مدیران برای استفاده از رویه‌های حسابداری متفاوت و استفاده از تغییر رویه حسابداری، مدیران را برای انتقال اطلاعات مربوط تر به بازار توانا می‌سازد. با این حال، وجود تعدیلات سنواتی ثبات رویه در گزار شگری مالی و توانایی استفاده کننده در ارزیابی دقیق عملکرد شرکت را کاهش می‌دهد. افزون بر این برخی معتقدند که مدیران از اختیارشان برای استفاده از رویه‌های حسابداری متفاوت و استفاده از تغییر رویه حسابداری، برای تحت تاثیر قرار دادن توافقات قراردادی و یا ارزش سهام استفاده می‌کنند (بزرگ اصل، ۱۳۸۷). اسپاتیس^{۳۶} (۲۰۰۲) عنوان می‌کند که از طریق تغییر روش‌های حسابداری، تغییر در برآوردهای مدیریت و شناسایی نادرست درآمدها و هزینه‌ها می‌توان مرتکب تقلب در صورت‌های مالی شد. اعتمادی و زلقی (۱۳۹۲) موارد اشتباه و دستکاری اقلام بویژه اقلام سود و زیانی در سنوات قبل زمینه ساز بروز ارائه مجدد صورت‌های مالی و دلیلی بر احتمال تقلب در صورت‌های مالی است. همچنین رأزالی و آرشاد (۲۰۱۴) معتقدند که وجود تقلب با اهمیت، می‌تواند زمینه ساز وجود تعدیلات سنواتی با اهمیت و صورت‌های مالی تجدید ارائه شده باشد.

³² Prior Period Adjustments

³³ Accounting Prosidure Change

³⁴ Error Correction

³⁵ Healy and Palepu

³⁶ Spathis

لیمن و لیمن^{۳۷} (۲۰۰۶) معتقدند که اندازه هیات مدیره باید به میزان کافی بزرگ باشد تا دربردارنده طیفی از مهارت ها و تجارب افراد گوناگون باشد. زهرا و پیرس^{۳۸} (۱۹۸۹) معتقدند که تعداد بیش تر اعضای هیأت مدیره (هیأت مدیره بزرگ تر) موجب افزایش قابلیت نظارت بر فعالیت های مدیران ارشد می شود. اما آنچه که مشخص است این است که هیات مدیره باید اندازه های معقول داشته باشد (مرادی و همکاران، ۱۳۹۱). رآزالی و آرشاد (۲۰۱۴) بیان می کنند که اندازه هیئت مدیره، تاثیری بر کاهش وقوع گزار شگری متقلبانه را ندارد؛ چرا که شواهد نشان می دهد اعضای هیئت مدیره و مدیران مالی نقش بیشتری در ایجاد تقلب داشته اند. پس انتظار می رود که اندازه هیئت مدیره قدرت کاهش بر گزار شگری متقلبانه را نداشته و پیش بینی می شود اندازه هیئت مدیره بر گزار شگری مالی متقلبانه تاثیر معناداری در کشف تقلب نداشته باشد. رآزالی و آرشاد (۲۰۱۴) همچنین بیان می کنند که مدیران خارج از سازمان و غیر موظف به دلیل اینکه از خارج از سازمان و بیرون به مدیریت نگاه می کنند و رفتار مدیریت را دورادور در کنترل دارند، قدرت ذره بینی بر رفتار دقیق مدیریت را داشته و توانایی کاهش اعمال متقلبانه از سوی مدیریت را دارند. نهایتاً آنها متوجه گزار شگری مالی متقلبانه خواهند شد و نسبت به مدیران داخلی بازخورد بالاتری در کاهش احتمال گزار شگری متقلبانه دارند. لذا انتظار می رود استقلال هیئت مدیره تاثیری بسزائی بر کاهش گزار شگری متقلبانه داشته باشد و پیش بینی می شود استقلال هیئت مدیره بر گزار شگری مالی متقلبانه بی اثر نبوده و در کشف تقلب موفق باشد. رآزالی و آرشاد (۲۰۱۴) معتقد است که برگزاری جلسات هیأت مدیره نقشی در کاهش تقلب و گزار شگری مالی متقلبانه ندارد، چرا که تعداد جلسات هیئت مدیره برای رویه های کارآمد راهبری شرکتی برای عملکرد صحیح بازار سرمایه بوده و هیئت مدیره چنانچه پی به اقدامات متقلبانه مدیر ببرد، جلسات هیئت مدیره کار ساز نبوده و تنها راه درمان تعویض مدیر می باشد. پس پیش بینی می شود تعداد جلسات هیئت مدیره تاثیری بر کاهش گزار شگری متقلبانه نداشته و انتظار می رود تعداد جلسات هیئت مدیره بر

³⁷ Limpan and Lipman

³⁸ Zahra and Pearce

گزارشگری مالی متقلبانه بی اثر بوده و در کشف تقلب موفق نیستند. در پژوهشی کاپلان و مینتون^{۳۹} (۱۹۹۴) به این نتیجه رسیدند که زمانی که شرکت‌ها عملکرد ضعیفی دارند، در ترکیب هیأت مدیره خود از مدیران مالی متخصص استفاده می‌نمایند. ولی رآزالی و آرشاد (۲۰۱۴) نشان می‌دهد که دانش مالی هیأت مدیره برای کشف تقلب کافی نیست. لذا انتظار می‌رود دانش مالی هیأت مدیره تأثیری بر کاهش گزارشگری متقلبانه نداشته و پیش‌بینی می‌شود دانش مالی هیأت مدیره بر گزارشگری مالی متقلبانه بی اثر بوده و در کشف تقلب موفق نیستند.

شواهد نسبتاً کمی وجود دارد که آیا تفکیک دوگانگی وظایف بر اثر بخشی حاکمیت شرکتی مؤثر است یا خیر و اینکه تفکیک وظایف واقعاً موجب بهبود قابل ملاحظه‌ای در عملکرد مالی شرکت شده است یا خیر. این شواهد معمولاً اشاره می‌کنند که جدایی این دو نقش اثر با اهمیتی ندارد، یعنی منجر به عملکرد بهتر شرکت یا تصمیم‌گیری بهتر نمی‌شود (برای مثال بریکلی و همکاران (۱۹۷۷) در آمریکا درامین تئودور (۱۹۱۸) در بریتانیا). به عنوان نمونه رآزالی و آرشاد (۲۰۱۴) اشاره می‌کنند که جدایی نقش رییس هیأت مدیره و مدیر عامل اثر با اهمیتی بر گزارشگری مالی متقلبانه ندارد. همچنین پالمروس^{۴۰} (۱۹۸۷) و تسوی و همکاران^{۴۱} (۲۰۰۱) دریافتند در شرکت‌های تابع قوانین حسابداری کمیسیون اوراق بهادار که سود تحریف شده ارائه داده‌اند احتمال وجود مدیر عاملی که همزمان عهده دار وظیفه ریاست هیأت مدیره نیز بوده است بیشتر می‌باشد. این بررسی‌ها نشان می‌دهد بالاترین مقام اجرایی که همزمان رئیس هیأت مدیره نیز می‌باشد قادر است فرایند راهبری داخلی را تحت سیطره خود داشته و سیستم‌های کنترلی و تعادلی را نادیده انگارد و از این طریق به اثربخشی وظیفه نظارتی هیأت مدیره از طریق نظام حاکمیت شرکتی لطمه وارد کند (دچو و همکاران، ۱۹۹۶).

³⁹ Kaplan and Minton

⁴⁰ Palmrose

⁴¹ Tsui et al

۳. روش پژوهش

کشف تقلب با استفاده از روش‌های معمول حسابرسی کار بسیار مشکلی است. ولی تحقق این امر با استفاده از سازوکارهای راهبری شرکتی هیئت مدیره تا حدی ساده می‌گردد. ساختار هیئت مدیره برای هدایت و نظارت بر فعالیت شرکت در جهت اهداف آن از جمله خلق ارزش برای سهامداران محسوب می‌شود. مشارکت کنندگان در ساختار هیئت مدیره شامل اندازه هیئت مدیره، استقلال اعضای هیئت مدیره (مدیران غیر موظف یا غیر اجرایی)، تعداد جلسات هیئت مدیره، دانش مالی هیئت مدیره و جدایی نقش رییس هیئت مدیره و مدیر عامل می‌باشند. در این پژوهش انتظار می‌رود که ساختار هیئت مدیره توانایی کشف و کاهش احتمال گزارشگری متقلبانه را در صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران داشته باشند. پیش‌بینی پژوهشگر بر این اساس است که ساختار هیئت مدیره و اجزای آن قادر به کشف تقلب و کاهش احتمال آن در صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران باشند. پس فرضیه‌های پژوهشی به صورت زیر تبیین شده است.

۱. با افزایش تعداد اعضای هیئت مدیره توانایی، تقلب در صورت‌های مالی کاهش می‌یابد.
 ۲. با افزایش تعداد اعضای غیرموظف در ترکیب هیئت مدیره، تقلب در صورت‌های مالی کاهش می‌یابد.
 ۳. با افزایش تعداد جلسات هیئت مدیره، تقلب در صورت‌های مالی کاهش می‌یابد.
 ۴. با افزایش دانش مالی اعضای هیئت مدیره، تقلب در صورت‌های مالی کاهش می‌یابد.
 ۵. با جدایی نقش رییس هیئت مدیره از مدیرعامل، تقلب در صورت‌های مالی کاهش می‌یابد.
- با توجه فرضیه‌های پژوهشی، مدل و الگویی برای گردآوری و تخمین داده‌های پژوهش تدوین گردید. طرح آزمون فرضیه‌ها بر اساس پژوهش رآزالی و آرشاد (۲۰۱۴) با استفاده از مدل رگرسیون لجستیک و داده‌های ترکیبی بوده به شرح رابطه (۱) می‌باشد.

رابطه (۱)

$$FV_{it} = \beta_0 + \beta_1 BOD_SIZE_{it} + \beta_2 BOD_IND_{it} + \beta_3 BOD_FIN_{it} + \beta_4 BOD_IE_{it} + \beta_5 BOD_SEP_{it} + \beta_6 SIZE_{it} + \beta_7 LEV_{it} + \epsilon_{it}$$

که اجزای این مدل به شرح زیر می باشد:

FV : تقلب

BOD_SIZE : اعضای هیئت مدیره

BOD_IND : استقلال هیئت مدیره

BOD_FIN : تعداد جلسه های هیئت مدیره

BOD_IE : دانش مالی هیئت مدیره

BOD_SEP : جدایی نقش رئیس هیئت مدیره از مدیر عامل

SIZE : اندازه شرکت

LEV : اهرم مالی

f : خطای مدل

متغیرهای پژوهش

متغیر وابسته

احتمال تقلب : متغیر وابسته این پژوهش احتمال وجود تقلب در صورت های مالی می باشد. برای تشخیص و طبقه بندی واحدهای اقتصادی به شرکت های متقلب یا غیر متقلب در گزارشگری مالی چارچوب نظری خاصی وجود ندارد. با توجه به استانداردهای شماره ۲۴۰ و ۴۵۰ حسابرسی ایران، می توان بر مبنای مقدار و محتوای ویژگی های داده های صورت های مالی حسابرسی شده توسط حسابدارهای رسمی یا سازمان حسابرسی، معیارهایی را برای محسوب نمودن تحریف ارائه نمود. نظر به تاثیر تحریف قابل تحمل (سطح اهمیت) بر نوع اظهار نظر حسابرس ها و از آنجا که طبق بررسی انجام شده (شمس احمدی، ۱۳۸۸) از سطح اهمیت در حسابرسی صورت های مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران؛ موسسه های حسابرسی از مبانی و درصدهای مختلف در سطح اهمیت استفاده نموده اند و از رویه همسانی در برآورد سطح اهمیت برخوردار نیستند؛ لذا تنها اظهار نظر مقبول نمی تواند دال بر نبود تقلب یا تقلب جزئی تلقی شود. بنابراین معیارهای دیگری به عنوان وجود شرایط تقلب، با توجه به پژوهش های قبلی به شرح زیر در

نظر گرفته شده است، که این پژوهش بر اساس سه شاخص، گزارشگری مالی متقلبانه را سنجیده است؛ که در مجموع گزارشگری مالی متقلبانه چنانچه حائز هر سه شرط زیر باشد، شرکت احتمال تقلب در گزارشگری مالی را داشته و عدد یک اختصاص داده شده و چنانچه یکی از شروط زیر یا حتی دو شرط زیر را دارا باشد، شرکت احتمال گزارشگری متقلبانه را ندارد و عدد صفر تعلق گرفته شده است. این سه شرط عبارتند از:

۱- اظهار نظر غیر مقبول حسابرسی

۲- وجود اختلاف های مالیاتی با حوزه مالیاتی طبق یادداشت ذخیره مالیات بردرآمد و پرونده مالیاتی و بند شرط گزارش حسابرسی

۳- وجود تعدیل های سنواتی با اهمیت و صورت های مالی تجدید ارائه شده

دلیل های انتخاب این معیارها این است که در مورد معیار اول؛ وجود تقلب با اهمیت، می تواند زمینه ساز اظهار نظر غیر مقبول باشد و در مورد معیار دوم اختلاف های مالیاتی به طور عمده ناشی از تفسیر نادرست قوانین مالیاتی و اشتباه در به کارگیری بندهای قوانین ذیربط و در برخی موارد تاخیر در شناسایی مالیات و حفظ نقدینگی و سایر موارد احتمالی تخلف است. در مورد معیار سوم موارد اشتباه و دستکاری ارقام به ویژه ارقام سود و زیانی در سال های قبل زمینه ساز بروز ارائه مجدد صورت های مالی و دلیلی بر احتمال تقلب در صورت های مالی است. در نهایت اگر شرکتی سه شرط فوق را دارا باشد، عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر تعلق می گیرد. سپس با توجه به اینکه متغیر وابسته یک متغیر دوگانه بوده و عدد صفر و یک به خود می گیرد، مدل آزمون فرضیه های پژوهش با استفاده از رگرسیون لجستیک (لجیت) برآورد شده است.

متغیرهای مستقل

متغیرهای مستقل این پژوهش مکانیسم های نظام راهبری شرکتی می باشد. به پیروی از پژوهش رآزالی و آرشاد (۲۰۱۴) این متغیر به تفکیک معیارهای زیر بررسی شده است:

اعضای هیئت مدیره: تعداد اعضای هیئت مدیره در هر یک از سال های پژوهش.

استقلال هیئت مدیره: نسبت اعضای غیرموظف به کل اعضای هیئت مدیره.
تعداد اعضای جلسات هیئت مدیره: تعداد جلسات برگزار شده از سوی هیئت مدیره در هر یک از سال های پژوهش.
دانش مالی اعضای هیئت مدیره: تعداد اعضای دارای دانش مالی در ترکیب هیئت مدیره در هر یک از سال های پژوهش.
جدایی نقش رییس هیئت مدیره از مدیرعامل: اگر یک شخص واحد دارای این دو سمت باشد، از متغیر مصنوعی یک و در غیر این صورت از متغیر مصنوعی صفر استفاده شده است.

متغیرهای کنترلی

رآزالی و آرشاد (۲۰۱۴) معتقدند که دو عامل اندازهی شرکت و اهرم مالی بیشترین احتمال را در گزارشگری مالی متقلبانه دارند. بر این اساس در این پژوهش اثر این دو متغیر بر رابطه افشای ساختار هیئت مدیره و گزارشگری مالی متقلبانه بررسی شده است. تعریف عملیاتی متغیرهای فوق به شرح زیر است.

اندازه شرکت: اندازه شرکت که از طریق لگاریتم طبیعی ارزش دفتری کل دارایی ها محاسبه می شود.

اهرم مالی: اهرم مالی که از طریق جمع کل بدهی ها در پایان دوره بر کل دارایی های شرکت در ابتدای دوره محاسبه می شود.

جامعه آماری در دسترس

جامعه آماری این پژوهش، کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، از ابتدای سال ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۹ شامل می شود. جامعه آماری در دسترس به شرح زیر انتخاب شد.

۱. برای رعایت قابلیت مقایسه پذیری، دوره مالی آن ها منتهی به پایان اسفند باشد.

۲. در طی دوره مورد بررسی توقف فعالیت یا تغییر سال مالی نداشته باشند.

۳. اطلاعات مورد نیاز شرکت ها، در طی دوره مورد بررسی موجود باشد.

بر اساس معیارهای فوق، ۱۸۳ شرکت شناسایی گردید. سپس کلیه اطلاعات مورد نیاز جهت انجام این پژوهش از بانک‌های اطلاعاتی بورس اوراق بهادار تهران، نرم افزارهای ره‌آورد نوین جمع‌آوری گردید. برای تحلیل و آزمون فرضیه‌های پژوهش در جهت تعیین نوع برآورد از آزمون‌های نرم‌الیتی برای تعیین نوع آزمون اصلی و برای آزمون فرضیه‌های پژوهش حسب مورد از روش لاجیت استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و استخراج نتایج پژوهش، از نرم‌افزارهای Excel و Eviews8 استفاده گردید.

۴. یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی برای متغیرهای پژوهش به شرح جدول (۱) می باشد.

جدول (۱): آمار توصیفی

نماد متغیر	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
اندازه هیئت مدیره	۰/۸	۰/۷	۹	۳	۰/۱
استقلال هیئت مدیره	۰/۹۱	۰/۸۹	۰/۹۹	۰/۰۱	۰/۱۲
تعداد جلسه های هیئت مدیره	۰/۷	۰/۶	۸	۱	۰/۱۳
دانش مالی هیئت مدیره	۰/۴	۰/۲	۵	۱	۰/۰۹
جدایی نقش رئیس هیئت مدیره از مدیر عامل	۰/۲۳	۰/۱۹	۱	۰	۰/۱۱
اندازه شرکت	۰/۱۴	۰/۱۳	۰/۱۸	۰/۱۱	۰/۰۵
اهرم مالی	۰/۸۳	۰/۶۹	۰/۹۹	۰/۰۱	۰/۱۲
تقلب	۰/۷۳	۰/۶۹	۱	۰	۰/۰۴

در ادامه با توجه به مجازی بودن متغیر وابسته پژوهش حاضر، پیش آزمون صورت گرفته برای مدل پژوهشی در جدول (۱) آزمون نرم‌الیتی با استفاده آماره جاک-برا می باشد، که شواهد نشان می دهد که سطح معناداری آن برابر با ۰/۰۰۰۰ است که نشان دهنده این است که برای تخمین مدل پژوهش با استفاده از آزمون لجستیک برازش شود. پس از انجام آزمون آماری نرم‌الیتی، به

منظور اطمینان از صحت الگوی برازش شده، نتایج نهایی حاصل از تخمین مدل پژوهش و درستنمایی مدل پژوهش در جدول (۲) ارائه شده است.

جدول (۲): نتایج مربوط به تخمین مدل

$FV_{it} = \beta_0 + \beta_1 BOD_SIZE_{it} + \beta_2 BOD_IND_{it} + \beta_3 BOD_FIN_{it} + \beta_4 BOD_IE_{it} + \beta_5 BOD_SEP_{it} + \beta_6 SIZE_{it} + \beta_7 LEV_{it} + \epsilon_{it}$						
اثرات نهایی	نتیجه	p_Value	آماره Z	خطای استاندارد	ضریب برآورد شده	نماد متغیر
-0.02818	-	0.3392	-0.955838	0.113165	-0.108168	اندازه هیئت مدیره
-0.16681	٪۹۰	0.0526	-1.938595	0.330227	-0.640176	استقلال هیئت مدیره
-0.00504	٪۹۵	0.0112	-2.535022	0.007635	-0.019355	تعداد جلسه های هیئت مدیره
-0.01084	-	0.4031	-0.836171	0.049764	-0.041611	دانش مالی هیئت مدیره
0.00137	-	0.9696	0.038056	0.138479	0.005270	جدایی نقش رئیس هیئت مدیره از مدیر عامل
0.009168	-	0.4198	0.806762	0.043612	0.035185	اندازه شرکت
0.109260	٪۹۰	0.0826	1.735541	0.241595	0.419298	اهرم مالی
-0.22077	-	0.3414	-0.951376	0.890567	-0.847264	عرض از مبدأ
ضریب مک فادن : ۰,۰۱۰۶۹۴		معناداری آماره LR : ۰,۰۴۹۸۵۵		آماره LR : ۱۴,۰۷۵۴۸		
نتیجه تایید لاجیت (H0 رد می شود)		معناداری آماره JB : ۰,۰۰۰۰		آماره JB : ۲۰۸,۳۸۹		

منبع: یافته‌های پژوهش

سطح معنادار بودن نسبت نرمایی برابر با ۰,۰۴۹۸۵۵ بوده و این بدان معناست که مدل مقید و غیر مقید، تفاوت معناداری دارند و لذا متغیرهای توضیحی، قدرت توضیح دهنده معناداری را در سطح اطمینان ۰/۰۵ دارند؛ در واقع می توان گفت که در سطح اطمینان ۹۵ درصد این مدل معنادار بوده و دارای اعتبار است. براساس نتایج همین فرضیه مقدار ضریب مک فادن برابر با ۰,۰۱۰۶۹۴ است که نشان می دهد ۰,۰۱۰۶۹۴ درصد تغییرات متغیر وابسته از طریق مدل رگرسیون توضیح داده

می شود. همچنین میزان حداکثر تابع درستیابی غیر مقید برابر با ۱۴,۰۷۵۴۸ است که بدان معنی است که قید مورد نظر برقرار است و اعمال آن ها تاثیری بر رگرسیون ندارد.

۵. نتیجه گیری

فرضیه اول پژوهش در صدد رسیدن به این هدف است که آیا با افزایش تعداد اعضای هیئت مدیره توانایی، ثقل در صورت های مالی کاهش می یابد یا خیر. بنابراین فرض صفر را در راستای خلاف ادعا تعیین نموده و فرض مقابل را به صورت هدف تعیین شده بررسی می شود. بر اساس نگاره (۱) نتایج نشان می دهد سطح معناداری برای متغیر اندازه ی هیئت مدیره برابر با ۰,۳۳۹۲ است که بیشتر از سطح خطای ۰/۰۵ بوده و از این رو می توان نتیجه گرفت تعداد اعضای هیئت مدیره بر ثقل در صورت های مالی تاثیر معناداری ندارد، در نتیجه فرض صفر رد نشده و فرض اول پژوهش پذیرفته نمی شود. به عبارتی اندازه ی هیئت مدیره قدرت کاهش گزارشگری مالی متقلبانه را ندارد و به عنوان اولین مکانیزم از نظام راهبری شرکتی تاثیری بر کاهش گزارشگری مالی متقلبانه ندارد. نتیجه فرضیه اول با پژوهش رآزالی و آرشاد (۲۰۱۴) همخوانی دارد.

فرضیه دوم پژوهش در صدد رسیدن به این هدف است که آیا با افزایش تعداد اعضای غیرموظف در ترکیب هیئت مدیره، ثقل در صورت های مالی کاهش می یابد یا خیر. بنابراین فرض صفر را در راستای خلاف ادعا تعیین نموده و فرض مقابل را به صورت هدف تعیین شده بررسی می شود. براساس نگاره (۱) نتایج نشان می دهد سطح معناداری برای متغیر استقلال هیئت مدیره برابر با ۰,۰۵۲۶ است که کمتر از سطح خطای ۰/۱۰ بوده و از این رو می توان نتیجه گرفت با اطمینان ۹۰٪ استقلال هیئت مدیره بر گزارشگری متقلبانه تاثیر معنادار دارد. همچنین ضریب استقلال هیئت مدیره که برابر با ۰,۶۴۰۱۷۶-، گویای این مطلب است که بین هیئت مدیره و گزارشگری مالی متقلبانه رابطه معکوسی وجود دارد. به عبارتی استقلال هیئت مدیره قدرت کاهش گزارشگری مالی متقلبانه را داشته و به عنوان دومین مکانیزم از نظام راهبری شرکتی تاثیری معناداری از نوع منفی بر کاهش گزارشگری مالی متقلبانه دارد. در نتیجه فرض صفر رد شده و فرض دوم پژوهش پذیرفته می شود و بین استقلال هیئت مدیره و گزارشگری مالی متقلبانه رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین با

توجه اثرات نهایی متغیرها، می توان استقلال هیئت مدیره را چنین بیان نمود که، در صورتی که انحراف معیار استقلال هیئت مدیره یک واحد افزایش یابد، احتمال گزارشگری مالی متقلبانه ۰,۱۶۶۸۱۶- کاهش می یابد.

فرضیه سوم پژوهش در صدد رسیدن به این هدف است که آیا با افزایش تعداد جلسات هیئت مدیره، تقلب در صورت های مالی کاهش می یابد یا خیر. بنابراین فرض صفر را در راستای خلاف ادعا تعیین نموده و فرض مقابل را به صورت هدف تعیین شده بررسی می شود. براساس نگاره (۱) نتایج نشان می دهد سطح معناداری برای متغیر تعداد جلسات هیئت مدیره برابر با ۰,۰۱۱۲ است که کمتر از سطح خطای ۰/۰۵ بوده و از این رو می توان نتیجه گرفت تعداد جلسات هیئت مدیره بر گزارشگری متقلبانه تاثیر معناداری دارد. همچنین ضریب تعداد جلسه های هیئت مدیره که برابر با ۰,۰۱۹۳۵۵-، گویای این مطلب است که بین تعداد جلسات هیئت مدیره و گزارشگری مالی متقلبانه رابطه معکوسی وجود دارد. در نتیجه فرض صفر رد شده و فرض سوم پژوهش پذیرفته می شود. به عبارتی تعداد جلسات هیئت مدیره قدرت کاهش گزارشگری مالی متقلبانه را دارد و به عنوان سومین مکانیزم از نظام راهبری شرکتی تاثیری منفی بر کاهش گزارشگری مالی متقلبانه دارد.

فرضیه چهارم پژوهش در صدد رسیدن به این هدف است که آیا با افزایش دانش مالی اعضای هیئت مدیره، تقلب در صورت های مالی کاهش می یابد یا خیر. بنابراین فرض صفر را در راستای خلاف ادعا تعیین نموده و فرض مقابل را به صورت هدف تعیین شده بررسی می شود. براساس نگاره (۱) نتایج نشان می دهد سطح معناداری برای متغیر دانش مالی هیئت مدیره برابر با ۰,۴۰۳۱ است که بیشتر از سطح خطای ۰/۰۵ بوده و از این رو می توان نتیجه گرفت دانش مالی هیئت مدیره بر گزارشگری متقلبانه تاثیر معناداری ندارد، در نتیجه فرض صفر رد نشده و فرض چهارم پژوهش پذیرفته نمی شود. به عبارتی دانش مالی هیئت مدیره قدرت کاهش گزارشگری مالی متقلبانه را ندارد و به عنوان چهارمین مکانیزم از نظام راهبری شرکتی تاثیری بر کاهش گزارشگری مالی متقلبانه ندارد.

فرضیه پنجم پژوهش در صدد رسیدن به این هدف است که آیا با جدایی نقش رییس هیئت مدیره از مدیرعامل، تقلب در صورت های مالی کاهش می یابد یا خیر. بنابراین فرض صفر را در راستای خلاف ادعا تعیین نموده و فرض مقابل را به صورت هدف تعیین شده بررسی می شود. براساس نگاره (۱) نتایج نشان می دهد سطح معناداری برای متغیر جدایی نقش رییس هیئت مدیره از مدیرعامل برابر با ۰,۹۶۹۶ است که بیشتر از سطح خطای ۰/۰۵ بوده و از این رو می توان نتیجه گرفت جدایی نقش رییس هیئت مدیره از مدیرعامل بر گزارشگری متقلبانه تاثیر معناداری ندارد، در نتیجه فرض صفر رد نشده و فرض پنجم پژوهش پذیرفته نمی شود. به عبارتی جدایی نقش رییس هیئت مدیره از مدیرعامل قدرت کاهش گزارشگری مالی متقلبانه را ندارد و به عنوان پنجمین مکانیزم از نظام راهبری شرکتی تاثیری بر کاهش گزارشگری مالی متقلبانه ندارد.

مبتنی بر آزمون فرضیه دوم پژوهش، شواهد نشان می دهد که استقلال هیئت مدیره و گزارشگری مالی متقلبانه در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود داشته و استقلال هیئت مدیره قدرت کاهش برگزارشگری مالی متقلبانه دارد. به عبارتی می توان نتیجه گرفت که مدیران غیر موظف عضو هیئت مدیره نسبت به سایر اعضای هیئت مزبور و سایر مکانیزم های حاکمیت شرکتی، انگیزه قویتری برای نظارت بر کار مدیران اجرایی و فرآیند گزارشگری مالی دارند و نظارت بهتر بر کار مدیران اجرایی به حفظ و ارتقای شهرت کاری اعضای غیرموظف هیئت مدیره کمک می کند تا احتمال گزارشگری مالی متقلبانه کاهش یابد. همچنین شواهد تجربی محققان هم راستا با پیش بینی های نظری در چارچوب نظری، از کاهش معنی داری افزایش حضور مدیران غیر موظف در هیات مدیره بر کاهش احتمال گزارشگری مالی متقلبانه حمایت می کنند. لذا به مدیران شرکت، اعضای هیئت مدیره و صاحبان سهام پیشنهاد می شود که بدلیل اینکه استقلال هیئت مدیره قدرت کاهش برگزارشگری مالی متقلبانه دارد، هنگامی که از مدیران غیر موظف بیشتری در هیئت مدیره استفاده نمایند، سرمایه گذاران و سهامداران اطلاعات مندرج در گزارش های مالی را قابل اتکاتر و احتمال تحریف و دستکاری فعالیت های واقعی را کمتر می دانند. پس بکارگیری مدیر از خارج در ترکیب هیئت مدیره شرکت ها می تواند

احتمال گزارشگری متقلبانه را کاهش دهد و اعضای هیئت مدیره در صورت لزوم از این افراد بیشتر در استفاده نمایند، چرا که اعضای غیراجرایی و یا غیر موظف، می توانند فشار اعضای داخلی را کم کرده و بنابراین به طور منفی بر گزارشگری مالی متقلبانه اثر بگذارند. پس حضور اعضای غیرموظف در هیئت مدیره، قدرت هیئت مدیره را به عنوان مکانیزم کنترل افزایش می دهد. نهایتاً اینکه مدیران غیرموظف، با احتمال کمتری با مدیریت در سلب مالکیت سهامداران تبانی می کنند. آن ها داورانی هستند که مدیریت ارشد را بازنگری می کنند و در صورت لزوم افراد موثرتری را جانشین مدیریت می کنند. پس به ذی نفعان پیشنهاد می شود که با توجه به این مهم که استقلال هیأت مدیره عامل مهمی در افزایش نقش نظارتی هیأت مدیره است، شرکت را مجبور تا از مدیران خارجی جهت نظارت بر اجزای داخلی شرکت استفاده کنند. مدیران خارج از سازمان و غیر موظف به دلیل اینکه از خارج از سازمان و بیرون به مدیریت نگاه می کنند، قدرت کشف تقلب را دارند.

منابع

اعتمادی، حسین؛ زلفی، حسن؛ (۱۳۹۲)، کاربرد رگرسیون لجستیک در شناسایی گزارشگری مالی متقلبانه، مجله: دانش حسابداری «تابستان ۱۳۹۲، سال ۱۳- شماره ۵۱ [علمی-پژوهشی]» (۱۹ صفحه - از ۱۴۵ تا ۱۶۳).

شمس احمدی، منصور، (۱۳۸۸)، سطح اهمیت و ریسک حسابداری، روزنامه دنیای اقتصاد، ۷ دی ۱۳۸۸

کمیته تدوین استانداردهای حسابداری، (۱۳۸۸)، استانداردهای حسابداری، سازمان حسابداری، تهران
مرادی، مهدی و سعیدی، مجتبی و رضایی، حمیدرضا (۱۳۹۱). بررسی تأثیر اندازه و استقلال هیأت مدیره بر هزینه های نمایندگی، پژوهش های تجربی حسابداری، سال دوم، شماره ۷

American Institute of Certified Public Accountants (AICPA), 2003, Consideration of Fraud in a Financial Statement Audit. Statement on Auditing Standard No. 99. NY: AICPA

American Institute of Certified Public Accountants (AICPA). Statement on auditing standards (SAS) no. 99. Consideration of fraud in a financial statement audit. New York, NY: AICPA; 2003

Beasley, M. (1996), "An empirical analysis of the relation between board of director composition and financial statement fraud", The Accounting Review, Vol. 71 No. 4, pp. 443-66.

- Beasley, M. S., J. V. Carcello, D. R. Hermanson, and T. L. Neal. (2010). Fraudulent financial reporting 1998 – 2007, an analysis of U.S. public companies. New York, NY: Committee of Sponsoring Organizations of the Treadway Commission.
- Beasley, Marguerite L, and Elizabeth A. Eccher, 2000, Do Markets Remember Accounting Changes? An Examination of Subsequent Years, on line, <http://www.ssrn.com>.
- Beasley, S.M., Carcello, J.V. and Hermanson, D.R. (1999), Fraudulent Financial Reporting: 1987-1997: An Analysis of US Public Companies, Research Report, COSO.
- Caplan, D. (1999), "Internal controls and the detection of management fraud", Journal of Accounting Research, Vol. 37 No. 1, pp. 101-17.
- Coderre, G.D. (1999), Fraud Detection. Using Data Analysis Techniques to Detect Fraud, Global Audit Publications, Vancouver.
- Dechow, P. A., R. G. Sloan A. P. Sweeney. (1996). Causes and Consequences of Earnings Manipulation: an Analysis of Firms subject to Enforcement Actions by the SEC. Contemporary Accounting Research, Vol.13(1), pp.1-36.
- Dechow, P. M., W. Ge, C. R. Larson, and R. G. Sloan. (2011). Predicting material accounting misstatements. Contemporary Accounting Research 28 (1): 17-82.
- Elliot, R. and Willingham, J. (1980). Management Fraud: Detection and Deterrence. Petrocelli, New York. NY.
- Fama, E. F., and M. C. Jensen. (1983). Separation of Ownership and Control. Journal of Law and Economics, Vol. 26, pp.301-325.
- Fama, E. F., and M. C. Jensen. (1983). Separation of Ownership and Control. Journal of Law and Economics, Vol. 26, pp.301-325.
- Healy, Paul, and Krishna G. Palepu, 1993. The effect of firms' financial disclosure strategies on stock prices. Accounting Horizons 7 (March): pp.1-11.
- Hoffman, V.B. (1997), "Discussion of the effects of SAS No. 82 on auditor's attention to fraud risk factors and audit planning decisions", Journal of Accounting Research, Vol. 35 No. 5, pp. 99-104.
- Limpan, F. and Lipman, L. (2006). "Corporate Governance Best Practices: Strategies for Public, Private and Not-for-Profit Organizations." John Wiley & Sons, Inc, Hoboken, New Jersey.
- Mancino, J. (1997), "The auditor and fraud", Journal of Accountancy, April, pp. 32-6.
- Razali, Wan Ainul Asyiqin Wan Mohd & Roshayani Arshad (2014). Disclosure of corporate governance structure and the likelihood of fraudulent financial reporting. Procedia - Social and Behavioral Sciences 145 (2014) 243 – 253
- Rezaee Z. 2002. "Financial statement fraud: prevention and detection". New York, NY: Wiley.

- Spathis, C. (2002). Detecting False Financial Statements Using Published Data: Some Evidence from Greece. *Managerial Auditing Journal*, Vol. 17(4), pp. 179-191.
- Summers, S.L. and Sweeney, J.T. (1998), "Fraudulently misstated financial statements and insider trading: an empirical analysis", *The Accounting Review*, Vol. 73 No. 1, pp. 131-46.
- Watts, R. L. and Zimmerman, J. L. (1986). *Positive Accounting Theory*. NJ: Prentice-Hall.
- Wells, J.T. (1997), *Occupational Fraud and Abuse*, Obsidian publishing, Austin, TX.
- Rezaee. Z. (2002). *Financial Statement Fraud, Prevention and Detection*, Jhon Wiley & Sons.Inc,
- Zahra, Shaker A. and Pearce, John A. (1989). "Boards of directors and corporate financial performance: A review and integrative model." *Journal of Management*, Vol. 2, 291- 334
- Zimbelman, M.F. (1997), "The effects of SAS No. 82, on auditors attention to fraud risk-factors and audit planning decisions", *Journal of Accounting Research*, Vol. 35 No. 5, pp. 75-9.